

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

بررسی اقوال در بحث مواسعه و مضایقه

یکی از مشکلات در بحث مواسعه و مضایقه، بخش اقوال است. از جمله کسانی که به شکل مفصل، به این بحث پرداخته‌اند: صاحب جواهر، صاحب مفتاح الکرامه و شیخ انصاری می‌باشد. بررسی اقوال بسیار مهم است و یکسری نکات اجتهادی را دربردارد که به آنها اشاره خواهیم کرد.

صاحب جواهر مطلبی تحقیقی را بیان کرده است، در نهایت می‌فرماید: در بحث مواسعه و مضایقه قول به تفصیل وجود ندارد. لذا یا افراد قائل به مواسعه محض هستند و یا قائل به مضایقه محض می‌باشند. توضیح این مطلب و علت آن در جلسات قبل بیان شد.

کسانی که قائل به مضایقه شده‌اند، به حسب ظاهر عباراتی که بیان کرده‌اند، در این بحث دو نزاع وجود دارد:

1. آیا فوریت در قضاء واجب است و یا واجب نیست؟
2. آیا ترتیب لازم است و یا لازم نیست؟

قول صاحب جواهر در فوریت و ترتیب

صاحب جواهر می‌فرماید: فوریت از لوازم ترتیب است، «بمعنی أن كل من قال بالترتيب قال بالفورية و بالعكس» [1] لذا یک نزاع وجود دارد. اما باید به این نکته توجه داشت، که ایشان می‌فرماید: فوریت از لوازم ترتیب است. لذا محور اساسی در کلام صاحب جواهر «لزوم و عدم لزوم ترتیب» می‌باشد.

اقوال برخی علماء در تنقیح محل نزاع

جناب شیخ انصاری نزاع را تحت عنوان «فوریت و عدم فوریت» مطرح نمی‌کنند؛ ایشان می‌فرماید: اصل و اساس بحث ترتیب و عدم ترتیب است. ایشان در مسئله ترتیب هشت قول ذکر می‌کند. و در قول آخر که تحت عنوان «مضایقه محضه» هست، هفت قول را بیان می‌کند.

پس این نکته که در بحث مضایقه دو نزاع است و یا یک نزاع است، باید تحقیق کنید. به عنوان نمونه صاحب عروه در قالب دو مسئله بیان کرده است، همچنین در تحریرالوسیله نیز دو نزاع مطرح شده است.

نظر استاد در محل نزاع

شاید بتوان گفت در واقع یک نزاع وجود دارد، که آن نزاع ترتیب است. مسئله فوریت از توابع قول به ترتیب است. بله در جلسه قبل مطرح شد شیخ انصاری اینکه «فوریت از لوازم ترتیب باشد» را قبول ندارد. اما شیخ انصاری در کلمه «کل» که در عبارت

صاحب جواهر آمده بود، اشکال کرده و می‌فرماید: عده‌ای از فقهاء، قائل به ترتیب هستند اما قائل به فوریت نمی‌باشند، مانند صاحب مدارک، که قول به ترتیب را قبول دارند، اما به فوریت اعتقادی ندارند. همچنین فرموده‌اند: کسانی نیز هستند که فوریت را قبول دارند اما قائل به ترتیب نیستند. در نتیجه مرحوم شیخ «کلیت» را که در بیان صاحب جواهر آمده بود را رد کردند.

بررسی کلام شیخ انصاری در ترتیب بین فائته و حاضره

مرحوم شیخ انصاری در ابتدای بحث موسعه و مضایقه می‌فرماید:

«مسألة اختلفوا في وجوب تقديم الفائتة على الحاضرة على أقوال».[2]

در اولین سطر، بحث ترتیب بین فائته و حاضره را بیان می‌کند. جناب شیخ معتقد است که هشت قول در این بحث وجود دارد.

قول اول: عدم وجوب ترتیب

ایشان می‌فرماید: اکثر فقهاء از متقدمین و متاخرین، قائل به عدم وجوب ترتیب «مطلقاً» هستند.

• لذا فائته واحد باشد و یا متعدد باشد.

• همچنین فائته، «فائتة اليوم» باشد و یا غیر از «فائتة اليوم» باشد.

بیش از پنجاه نفر از فقهاء، متقدمین و متاخرین را نقل می‌کند که قائل به ترتیب نیستند. شیخ انصاری معتقد است، مطلقاً بین فائته و حاضره ترتیب لازم نیست.

اقوال در تقدیم و عدم تقدیم حاضره

مرحوم شیخ می‌فرماید: قائلین به عدم وجوب ترتیب، یک اجماعی بر جواز تقدیم فی الجملة دارند. یعنی معتقد هستند، «تقدیم الحاضرة على الفائتة جائز»، و اینها پنج قول را بیان می‌کنند:

1. تقدیم الحاضرة واجبٌ.

2. تقدیم الحاضرة مستحبٌ.

3. تقدیم الفائتة مستحبٌ.

4. تأخیر الحاضرة مستحبٌ.

5. قول پنجم تخییر می‌باشد.

بررسی نظر مرحوم مجلسی در تخییر

تخییر به این معناست که شخص بین دو استحباب برای فائته و حاضره مخیر است. این تخییر را، علامه مجلسی در ملاذ الاخیار قائل شده است. البته مرحوم مجلسی دو مورد را استثناء کرده است: مورد اول، نسبت به ماعدای فائته واحد است، مورد دوم ماعدای «فائتة اليوم» است. در غیر این دو مورد نسبت به فوائت متعددی که برای غیر امروز می‌باشد، قائل به تخییر شده است.

«و هؤلاء - مع اتفاقهم على جواز تقديم الحاضرة - بين من يظهر منه وجوبه - كما عن ظاهر جماعة من القدماء - [3] فيكون الفائتة بالنسبة إلى الحاضرة كالسوفين بالنسبة إليها - عند جماعة - [4] وبين من يظهر منه استحبابه كما عن ظاهر بعضهم، و صريح أبي علي الصوري - المتقدم إليه الإشارة [5] - وبين من نصّ على استحباب تقديم الفائتة [6] و من نصّ على استحباب تأخير الحاضرة استناداً إلى الاحتياط لأجلها، و من يظهر منه التخيير المحض بالنسبة إلى ما عدا الفائتة الواحدة و فائتة اليوم كما عن رسالة الملاذ للمحقق المجلسي [7] حيث حكم بأن الأحوط تقديم الفائتة الواحدة، و فائتة اليوم، و أمّا مطلق الفوائت [يعنى غير از فائته واحد و فائته يوم] فالظاهر عدم وجوب تقديمها، بل و لا أفضليته.

لكنّ الإنصاف [أنّ هذا قول پنجم] ليس قولاً بالتخير، لأنّ عدم أفضلية تقديم الفائنة يلزمه القول برجحان تقديم الحاضرة، لعمومات [8] رجحان تقديمها [9] فإنّ من يقول برجحان تقديمها لا يقول إلّا لأجل العمومات و النصوص الدالّة على رجحان تقديمها على الفائنة، لأجل إدراك فضيلة وقت الحاضرة، فتأمّل.

و على كلّ حال فيمكن القول باستحباب تأخير الحاضرة لمراعاة الاحتياط الغير اللازم، مع استحباب تقديم الحاضرة، إمّا لعموم فضيلة أوّل الوقت [10] و إمّا للنصوص الخاصة [11]، و لا منافاة بين الاستحبابين، كما نقول: إنّ الإتمام في الأماكن الأربعة أفضل [چون روایات متعددی برای جواز اتمام است] ، و القصر أحوط [چون برخی از قدماء تخيير را قبول ندارند، لذا قصر مطابق با احتياط است].».

اشكال انصارى به مرحوم مجلسى

شيخ انصارى مى‌فرمايد: جناب مجلسى شما كه معتقد هستيد، تقديم فائته افضل نيست، لازمه كلام شما اين مى‌باشد كه تقديم حاضره افضل شود، پس تخيير در اين هنگام وجود ندارد.

استحباب تقديم و تاخير در حاضره

شيخ انصارى در مورد حاضره مى‌فرمايد: چنانچه فقيهى بگويد، «تقديم الحاضرة مستحب» و «تأخير الحاضرة أيضاً مستحب» اين امكان دارد. اما اين كلام به دو ملاك است:

- «تأخير الحاضرة مستحب» ، چون در اين هنگام احتياط، رعايت مى‌شود.
- «تقديم الحاضرة مستحب» ، حاضره مقدم است، چون وقت براى حاضره است، لذا يا به جهت درك فضيلت اول وقت و يا ممكن است گفته شود كه رواياتى وجود دارد.

«بل يمكن القول باستحباب تقديم الحاضرة من جهة عمومات فضيلة أوّل الوقت و استحباب تقديم الفائنة إمّا بالخصوص [12] أو لأدلة المسارعة إلى الخير [13]، فتأمّل».

در مطلب بالا، يك عنوان «حاضره» بود، كه هم تقديم آن مستحب بود و هم تاخير آن مستحب شد؛ اما در اين مطلب، شيخ انصارى مى‌فرمايد: دو عنوان است، عنوان اول: استحباب تقديم حاضره مى‌باشد، عنوان دوم: استحباب تقديم فائته است.

«و الحاصل: أنّ لكلّ من استحباب تقديم الحاضرة و استحباب تقديم الفائنة وجوها ثلاثة: النصّ الخاصّ المحمول على الاستحباب، و عمومات المبادرة إلى الطاعات، و الاحتياط بناء على وجود القول بوجوب تقديم الحاضرة كالقول بوجوب تقديم الفائنة، و يزيد استحباب تقديم الحاضرة بوجه رابع و هو ما دلّ على فضيلة أوّل الوقت لها، حيث إنّ لخصوصيّة الجزء الأوّل من الوقت مدخلا في الفضيلة، لا أنّ ذلك لمجرّد رجحان المبادرة إلى إبراء الذمّة، على ما يومئ إليه بعضها» [14].

اما وجوهى سه گانه براى تقديم حاضره و يا تقديم فائته بيان شده است.

وجوه تقديم حاضره بر فائته

1. روايت خاص است كه اگر كسى فائته بر ذمه دارد، حاضره را مقدم كند.
2. عمومات استحباب مبادرت به اطاعة الله، به انجام طاعات و عبادات است.
3. وجه سوم نيز احتياط مى‌باشد.
4. مسئله رعايت اول وقت است. كه اين مورد فقط براى حاضره است كه معنا پيدا مى‌كند.

وجوه تقدیم فائده بر حاضره

1. تقدیم فائده موافق با احتیاط است، چون قائل به لزوم تقدیم فائده نیز هست.

2. نص هم وجود دارد.

3. عمومات نیز شامل این بحث می‌شود.

سپس شیخ انصاری در ادامه می‌فرماید:

«فعلیک بالتأمل فیما یمكن اجتماعه من وجوه استحباب تقدیم الفائدة، مع وجوه استحباب تقدیم الحاضرة، و سیجیء لهذا مزید بیان عند ذکر الأخبار الواردة فی الطرفين إن شاء الله. و کیف كان ففي صور الاجتماع حکم باستحباب کلّ من الأمرین علی سبیل التخییر، فإن علم من دلیل خارج أهمیّة أحدهما حکم بمقتضاه من دون سقوط الآخر عن الاستحباب. و هذا بخلاف الواجبین المتزاحمین إذا علم من الخارج أهمیّة أحدهما، فإنّه یحکم بسقوط وجوب الآخر، خلافاً لمن أنکر الترجیح بالأهمیّة کالفاضل التونی فی الوافیة، و لمن اعترف به مع حکمه ببقاء الآخر علی صفة الوجوب علی تقدیر اختیار المکلف ترک الأهم. و ضعف کلا القولین، و بیان الفرق بین المستحبین المتزاحمین مع أهمیّة أحدهما، و الواجبین کذلک، موکول إلى محلّه».

تفاوت بین تزاحم الاستحبابین و تزاحم الواجبین

مرحوم شیخ می‌فرماید: بین تزاحم دو استحباب و تزاحم دو واجب، تفاوت است. در بحث موجود دو استحباب هست، به این بیان که تقدیم حاضره و تاخیر حاضره مستحب است، خب این تزاحم می‌باشد، اگر قرینه‌ای برای اهمیت یکی از دو استحباب پیدا شد، استحباب طرف دیگر از بین نمی‌رود. مثلاً در همین بحث چنانچه قرینه‌ای بود بر اینکه تاخیر حاضره اهم است، این رجحان پیدا می‌کند، اما معنای این سقوط عمل دیگر از استحباب نیست؛ این مطلب در تزاحم دو مستحب است. برخلاف تزاحم دو عمل که واجب هستند، بنابراینکه یکی از مرجحات باب تزاحم نیز «اهمیت» باشد، در این هنگام دو گروه وجود دارد:

1. گروهی گفته‌اند وقتی، یک واجبی اهم شد، واجب مهم از وجوب ساقط می‌شود.

2. گروه دیگر معتقد هستند، اگر واجب اهم معین شد، مهم از وجوب ساقط نمی‌شود.

پس در تزاحم دو واجب اختلاف است، با اهمیت یک طرف، طرف دیگر از وجوب ساقط می‌شود و یا نمی‌شود. اما در باب تزاحم دو استحباب، چنین اختلافی وجود ندارد.

جناب شیخ می‌فرماید: تحقیق این مطلب موکول به محلی دیگر است، اما به یاد ندارم، جناب شیخ در جایی دیگر، این مطلب را بیان کرده باشند.

دلیل فارق بین تزاحم دو مستحب و دو واجب

حضرت استاد در این مطلب که وجه فارق بین دو استحباب که اگر تزاحم پیدا کردند، استحباب عمل دیگر از بین نمی‌رود؛ اما در تزاحم دو واجب، اگر یک واجب اهم شد، وجوب عمل دیگر ساقط می‌شود، می‌فرماید: در تزاحم دو واجب، وقتی شارع اهم را اراده می‌کند، نمی‌شود مهم را نیز اراده کند؛ اما در استحباب اشکالی ندارد در عین اینکه این مستحب اهم است، مستحب دیگر به قوت خودش باقی می‌باشد، چون ملاک لزومی نیست.

قول دوم: وجوب ترتیب

0 در بحث ترتیب، عده‌ای قائل هستند که ترتیب واجب نیست؛ اما اگر فائده واحد است، ترتیب لازم می‌باشد. مرحوم شیخ می‌فرماید: علامه در کتاب مختلف با اینکه قول به مضایقه و فوریت مطلقه را به دیلمی نسبت داده است، اما از برخی از کلمات دیلمی همین تفصیل که در قول دوم آمده، استفاده می‌شود.

0 محقق در تمام کتب خود، این نظریه تفصیل را دارد.

0 صاحب مدارک همین نظریه را دارد.

0 شهید در نکت الارشاد، به همین نظریه معتقد هست. اگرچه در باقی کتب عدول کرده است.

مرحوم شیخ می‌فرماید:

«و الثاني: القول بعدم وجوب الترتيب مع تعدد الفائتة، و بوجوبه مع وحدتها.

ذهب إليه المحقق في كتبه و سبقه إليه الديلمي فيما حكى عنه و تبعه إليه صاحب المدارك و قواه الشهيد في نكت الإرشاد و إن عدل عنه في باقي كتبه. و حكى عن صاحب هدية المؤمنين و عن المختلف نسبة القول بالمضايقه إلى الديلمي، لكن المحكي من بعض كلماته التفصيل المذكور حيث قال: إن الصلاة المتروكة على ثلاثة أضرب: فرض معين، و فرض غير معين، و نفل، فالأول يجب قضاؤه على ما فات، و الثاني على ضربين: أحدهما: أن يتعين له أن كل الخمس فأتت في أيام لا يدري عددها.

و الثاني: أن يتعين له أنها صلاة واحدة، و لا يتعين أي صلاة هي.

فالأول: يجب عليه فيه أن يصلي مع كل صلاة صلاة حتى يغلب على ظنه أنه و في.

و الثاني: يجب عليه أن يصلي اثنين، و ثلاثا، و أربعا[15](انتهى). و ظاهره كما ترى التوسعة في الفوائت المتعددة». «يعنى اگرچه مرحوم علامه در مختلف، دیلمی را معتقد به مضایقه مطلق دانسته، ولی این عبارت توسعه در فوائت متعدد است».

گروهی از فقهاء هستند که در ترتیب، قول دوم را معتقد هستند، لذا بین فائته واحد و فائته متعدد، فرق گذاشته‌اند.

ممکن است کسی سوال کند آیا همه این افراد، قائل به فوریت هستند؟

در پاسخ می‌گوییم: خیر، اینها اختلاف دارند. صاحب مدارک که این تفصیل را قائل است، فوریت را به شکل کلی انکار کرده است. در همین هنگام جناب شیخ به صاحب جواهر اشکال کردند، که صاحب جواهر فرمود: «کل من قال بالترتيب قال بالفورية»، مرحوم شیخ می‌فرماید: صاحب مدارک قائل به ترتیب است، اما قائل به فوریت نیست. برخی دیگر از قائلین به تفصیل هستند، که فوریت را نیز قبول دارند، که صاحب هدیة المومنین نیز همین باور را دارد.

مرحوم شیخ در ادامه می‌فرماید:

«و ممن يظهر منه اختيار هذا، المحقق الآبي - تلميذ المحقق - فيما حكى عنه من كشف الرموز حيث قال - بعد ما اختار القول بالمضايقه و الترتيب مطلقا و ذكر تفصيل شيخه المحقق و مستنده -: «و هو حسن اذهب اليه جزما، و على التقديرات لا يجوز لصاحب الفوائت الإخلال بأدائها إلا للضرورة، و عند أصحاب المضايقه إلا لأكل أو شرب ما يسد الرمق أو تحصيل ما يتقوت به هو و عياله و مع الإخلال بها يستحق المقت في كل جزء من الوقت(انتهى).

ثم إن هؤلاء إنما صرحوا بالتفصيل في الترتيب، و أما وجوب المبادرة فظاهر صاحب المدارك عدمه مطلقا، كما أن صريح المحكي عن هدية المؤمنين ثبوته مطلقا، حيث قال: يجب المبادرة إلى القضاء فورا لاحتمال اخترام المنية في كل ساعة، بل لم يرخص المرتضى إلا أكل ما يسد الرمق، و النوم الحافظ للبدن، و أن لا يسافر سفرا ينافيه، و بالغ في التضييق كل مبلغ، ثم قال: و أما الترتيب بين الحاضرة و الفائتة فإن كانت واحدة قدمها على الحاضرة، و ان كانت أكثر قدم الحاضرة عليها. و إن أراد تقديم الفوائت المتعددة عليها مع سعة الوقت فجائز أيضا (انتهى).

و ظاهره جواز فعل الفريضة الحاضرة مع فورية الفوائت المتعددة، بل استحبابها قبله».[16]

اما آنچه که مهم است، جناب شیخ می‌فرماید: اگر بخواهیم قول محقق را مورد بررسی قرار دهیم، باید قول محقق را در شرایع و غیر شرایع به شکل جداگانه بررسی کنیم.

پاورقی:

- [1] صاحب جواهر محمدحسن بن باقر. بدون تاریخ. جواهر الکلام (ط. القديمة). ج 13. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربي.
- [2] انصاری مرتضی بن محمدامین. 1414. رسائل فقهية (انصاری) (رسالة في الموسعة و المضائقة). قم - ایران: مجمع الفكر الإسلامي.
- [3] انظر مفتاح الكرامة ٣: ٣٨٨ و الجواهر ١٣: ٣٧.
- [4] انظر مفتاح الكرامة ٣: ٢٣١.
- [5] في الصفحة ٢٥٨، انظر مفتاح الكرامة ٣: ٣٨٨ و الجواهر ١٣: ٣٧.
- [6] نسب ذلك العلامة في المختلف ١: ١٤٤ الى والده و أكثر من عاصره من المشايخ، و انظر الحقائق ٦: ٣٣٦.
- [7] ملاذ الأخيار ٤: ٩٣ و الحاكي هو المحقق التستري في رسالته، و التعبير عن «الملاذ» بالرسالة من سهو القلم.
- [8] في «ش»: لعموم.
- [9] الوسائل ٣: ٨٦، الباب ٣ من أبواب المواقيت و غيره من الأبواب.
- [10] الوسائل ٣: ٨٦، الباب ٣ من أبواب المواقيت.
- [11] الوسائل ٣: ٢٠٩، الباب ٦٢ من أبواب المواقيت، الحديث ٣، و الوسائل ٥: ٣٥١، الباب ٢ من أبواب قضاء الصلوات، الحديث ٥.
- [12] الوسائل ٣: ٢٠٩، الباب ٦٢ من أبواب المواقيت، الحديث ٢. و ٣: ٢١١، الباب ٦٣ من أبواب المواقيت، الحديث الأول. و ٣: ٢١٢، الباب ٦٣ من أبواب المواقيت، الحديث ٢ و ٣: ٢٢٨، الباب ٩ من أبواب القبلة، الحديث ٥.
- [13] مثل قوله تعالى فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ * البقرة: ٢-١٤٨ و المائدة: ٥-٤٨.
- [14] الوسائل ٣: ٨٦، الباب ٣ من أبواب المواقيت الأحاديث ١ و ٤ و ٥ و غيرها.
- [15] المراسم (الجوامع الفقهية): ٥٧٥ مع اختلاف في التعبير.
- [16] انصاری مرتضی بن محمدامین. 1414. رسائل فقهية (انصاری) (رسالة في الموسعة و المضائقة). قم - ایران: مجمع الفكر الإسلامي.